

آشوب ایبانه

جلسات مثنوی پژوهی^۲

ویدا وحیدنیا

دبیر بازنشسته زمین شناسی، شهرستان بیرجند

لرزم به ریشه کلمه و نوع آن نیز اشاره می‌کردند.

همچنین اگر آیه‌ای از قرآن به آن ارتباط پیدا می‌کرد، با اشراف کامل آن را قرائت و ترجمه می‌کردند. خواندن درست مثنوی و درک مفاهیم عمیق آن بهره بزرگ ما از آن جلسه بود؛

ضمن اینکه حظ باطنی زایدالوصفی نیز بردیم. در پایان جلسه، بخش پرسش و پاسخ در نظر گرفته شده بود. حضور

در جلسات بعدی تأثیرات مثبت فراوانی در تدریس و زندگی‌ام داشت؛ به طوری که یکی از مباحث درسی را بر مبنای طرح درسی براساس اشعار مولانا تدوین کردم که بسیار مورد توجه دانش‌آموزان و همکارانم قرار گرفت. آنچه این جلسات را تداوم می‌بخشد باعث شده است حدود ده سال به‌طور مستمر این مراسم برگزار شود، نظم حاکم بر آن و حضور علاقه‌مندان از هر قشر و جنسیتی است. این جلسات رایگان و حضور برای عموم آزاد است. استاد گران‌قدر، دکتر بهنام‌فر، بدون هیچ چشم‌داشتی طی این سال‌ها مدرس این محفل ادبی بوده‌اند و حق استادی بر گردن شرکت‌کنندگان دارند. کل مثنوی حدود ۲۶۰۰۰ بیت است و در هر هفته بین ۴۰ تا ۵۰ بیت بررسی می‌شود. از ۵۲ دوشنبه در سال تقریباً ۵۰ جلسه برگزار می‌گردد. فعلاً نیز از دفتر ششم تقریباً یک سوم خوانده شده است.

مثنوی ما دکان وحدت است

غیر واحد هر چه بینی آن بت است

اردیبهشت سال ۱۳۹۲ به دعوت یکی از همکارانم^۳ به جلسه‌ای با عنوان مثنوی پژوهی رفتیم. علاقه‌ام به مولانا و اشعار حکایت‌گونه‌اش نشئت گرفته از داستان طوطی و بازرگان کتاب فارسی سال چهارم دبستان بود. پس از آن، بارها سعی کرده بودم مثنوی مولانا را بخوانم ولی متأسفانه خواندنش برایم سخت بود و گاه درک درستی از مفاهیمش نداشتم.

از شرکت در آن جلسه خرسند بودم. هیجان وصف‌ناپذیری داشتم که به آرزوی کودکی‌ام دست یافته‌ام. کمی زودتر از موعد رسیده بودم. جالب بود که حضاران در سالن جلسه از همکاران، دوستان و آشنایانم از اقشار مختلف و حتی دانش‌آموزانم بودند و این مسئله بر جذابیت آن می‌افزود. استاد جلسه، دکتر محمد بهنام‌فر^۴ وارد سالن شدند و با ورودشان همه به احترام ایشان برخاستند. استاد با مهربانی با حضاران احوال‌پرسی کردند و در جایگاه خویش قرار گرفتند و برنامه آن شب را پرسیدند. دبیر جلسه، آقای طاهری، پاسخ دادند که قرار است ۵۰ بیت از ابتدای دفتر چهارم خوانده شود. آقای مهدی‌زاده^۵ منشی جلسه اسم فردی را که آن شب قرار بود ابیات را قرائت کند، اعلام کردند. اشعار خوانده شد و سپس استاد بهنام‌فر با حوصله و دقت شروع به شرح آن‌ها نمودند؛ داستان‌گونه تفسیر می‌کردند و در صورت

«هُمَزَه» در اصل به معنای شکستن است؛ از آنجا که عیب‌جویان شخصیت دیگران را در هم می‌شکنند، به آن‌ها «همزه» اطلاق شده

هر کسی گر عیب خود دیدی ز پیش
کی بدی فراغ وی از اصلاح خویش
غافل‌اند این خلق از خود، ای پدر
لاجرم گویند عیب همدگر

دفتر دوم مثنوی معنوی مولوی

خداوند متعال در آیات یک و دو سوره همزه درباره عیب‌جویی از دیگران فرموده است: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لَّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ؛ وای بر هر بدگوی عیب‌جویی، که مالی گرد آورد و برشمردش». خداوند متعال در این آیه با کلماتی مثل «همزه» و «لمزه»، مردم را از عیب‌جویی یکدیگر نهی کرده است. «همزه» در اصل به معنای شکستن است؛ از آنجا که عیب‌جویان شخصیت دیگران را در هم می‌شکنند، به آن‌ها «همزه» اطلاق شده و «لمزه» نیز از ریشه «لمز» به معنای طعنه زدن و عیب‌جویی کردن است.

همچنین، در آیه ۷۹ سوره توبه در این رابطه می‌فرماید: «الَّذِينَ يَلْمُزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب] از روی میل صدقات [مستحب نیز] می‌دهند عیب می‌گیرند و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند [عیب‌جویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند [بدانند که] خدا آنان

ویژگی منحصر به فرد

جلسات که با زمان مولانا

مطابقت و هم‌سویی دارد، حضور همه اقشار جامعه دانشگاهیان، پزشکان، فرهنگیان، کارمندان، کسبه، دانشجویان و دانش‌آموزان بدون محدودیت سنی و جنسیتی است. شرح و توصیف اشعار نیز به گونه‌ای است که مطلب برای جمع حاضر قابل درک و تأثیرگذار است و ارتباطی دو سویه بین معلم و متعلم برقرار می‌شود. در ادامه، نمونه‌هایی آمده است.

عکس خود را او عدو خویش دید
لاجرم بر خویش شمشیری کشید
ای بسا ظلمی که بینی در کسان
خوی تو باشد در ایشان ای فلان

دفتر اول مثنوی معنوی مولوی

کز ندانم آن نکواندیش را
متهم دارم وجود خویش را
باشد او در من ببیند عیب‌ها
من نبینم در وجود خود، شها



را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پردرد خواهد بود.»

در آیه یازده سوره حجات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْقُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند؛ شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]؛ شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید. چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.»

کلمه «انفسکم» همه کوتاهی‌اش حکمت الهی را بیان می‌کند و آن این است که مسلمانان به منزله جان یکدیگرند و افشای عیب یک نفر، در حقیقت افشای عیب خود است. همان‌طور که انسان عیب خود را نمی‌گوید، نباید عیب دیگران را هم بازگو کند.

خداوند متعال همچنین در آیه ۱۲ سوره حجات در این رابطه فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا

تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما عیب بعضی نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

یاد ده ما را سخن‌های دقیق که تو را رحم آورد آن ای رفیق هم دعا از تو، اجابت هم ز تو ایمنی از تو، مهابت هم ز تو گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سخن دفتر دوم مثنوی معنوی مولوی

جز تو پیش کی بر آرد بنده دست هم دعا و هم اجابت از تو است هم ز اول تو دهی میل دعا تو دهی آخر دعاها را جزا دفتر چهارم مثنوی معنوی مولوی

أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ؛



یا کیست که دعای درمانده را چون بخواندش، اجابت می‌کند و بلا را می‌گرداند و شما را جانشینان [پیشینیان بر] روی زمین می‌کند؟ آیا در جنب خداوند خدایی هست، چه اندک پند می‌گیرید.

(۶۲) النمل

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم. بی‌گمان کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند، زودا که به خواری و زاری وارد دوزخ شوند. (۶۰) غافر

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛

و از ایشان کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا به ما در دنیا بهره نیک و در آخرت هم بهره نیک عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ در امان بدار. (۲۰۱) البقره

برداشتی از قوانین کیهانی موفقیت، دعا

هرگز با نگرش یک گدا دعا نکنید.

شما مخلوق خدا هستید و به‌عنوان مخلوق او، حقی بر گنجینه‌اش در مخزن بی‌نهایت دارید.

با همان اطمینان مطلق که او به شما گوش می‌دهد، دعا کنید. او گوش می‌دهد؛ اگر با عشق

به او دعا کنید.

با عشق از او بخواهید؛ هرگز گدایی نکنید.

منظور از خواستن این نیست که با وجود مخالفت او با برآوردن آرزویتان باید خواسته خود را به او تحمیل کنید بلکه این است که با همان اعتقادی راسخ که او می‌خواهد، برای هر آنچه نیاز دارید به شما بدهد دعا کنید و او به شما خواهد داد.

حضرت عیسی مسیح - علیه‌السلام - فرموده است: ایمان، ایمان مطلق و عشق مهم‌ترین عناصر در دعا کردن هستند.

باور کنید می‌توانید و بعد به تمام کائنات انرژی بفرستید و خداوند برآورده می‌فرماید.

در هر جلسه به تناسب زمان، موضوعات روز و یا مفاهیم جذاب و متنوع انتخاب و توسط شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود، که بر بار علمی-فرهنگی آن می‌افزاید.

آنچه طی این مدت از جلسات آموخته‌ام، توکل به خدا و توسل به قرآن برای رسیدن به آرامش درونی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آتشنوی: (atshoni) در گویش بیرجندی به معنی شب‌نشینی و دوره‌می شبانه است.

۲. جلساتی که به‌طور مستمر از حدود ده سال پیش تاکنون هر دوشنبه ساعت ۲۲-۲۰ در محل خانه هنرمندان شهرستان بیرجند برگزار می‌شوند.

۳. دبیر بازنشسته زمین‌شناسی شهرستان بیرجند

۴. دکتری ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل ۱۳۷۸ دانشگاه

فردوسی مشهد

۵. وکیل بازنشسته

۶. برداشت آزاد از مطالب دبیر

جلسه